

فصلنامه راهبرد سیاسی
سال ششم، شماره ۳، پیاپی ۲۲، پاییز ۱۴۰۱
صفحات: ۱۴۰-۱۲۱
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۵؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۹/۱۸

جایگاه شفافیت در حکمرانی شایسته در اندیشه امام علی (ع)

مرتضی علویان* / رحمت عباس تبار** / سعید ذکریا پور سورکوهی***

چکیده

شفافیت بعنوان یکی از مفاهیم نوپدید در قرن اخیر مورد توجه بسیاری از دانشمندان بعنوان یکی از شاخصه‌های حکمرانی خوب قرار گرفته است. در پژوهش‌های اسلامی نیز، تحقیقات زیادی پیرامون تطبیق شاخصه‌های حکمرانی خوب با اندیشه اسلامی صورت گرفته است. این پژوهش با موضوع "جایگاه شفافیت در حکمرانی شایسته در اندیشه علوی"، به بررسی و تطبیق مولفه شفافیت در حکمرانی و اندیشه امام علی (ع) می‌پردازد. این پژوهش، نهج البلاغه را بعنوان مبنای مطالعه اندیشه علوی قرار داده است و در صدد پاسخ به این سوال است که شفافیت چه جایگاهی در اندیشه و حکمرانی علوی دارد. برای این پژوهش، از روش تحلیل مضمون بعنوان یکی از پرکاربردترین روش‌های تحلیل داده استفاده شده است. پس از مطالعه و بررسی، شفافیت در اندیشه علوی در دو بخش "محتوای شفافیت در اندیشه و حکمرانی علوی" و "ملزومات شفافیت در اندیشه و حکمرانی علوی" فصل بندی شد و نتایج حاصله از پژوهش نشانگر آن است که در اندیشه و حکمرانی علوی، شفافیت در بالاترین سطوح ممکن قرار داشته و به صراحت بدان اشاره گردیده است.

کلید واژه‌ها

شفافیت، حکمرانی خوب، حکمرانی شایسته، امام علی (ع)، نهج البلاغه.

* دانشجوی کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

** استادیار علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

*** دانشجوی کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

یکی از مفاهیمی که در دهه های اخیر مورد توجه اندیشمندان و سازمان های جهانی قرار گرفته است، مسئله حکمرانی خوب است. برای این منظور، دانشمندان و سازمان های مختلفی، به بیان ویژگی ها و ملاک هایی برای یک حکمرانی خوب که تضمین کننده نتایج و دستاوردهای مثبتی برای اجتماع می باشد، برشمرده اند. یکی از شاخصه ها و ملاک هایی که بسیاری از اندیشمندان بعنوان یکی از ملاک های حکمرانی خوب بدان پرداخته اند، شفافیت است. شفافیت در حکمرانی خوب، از جایگاه ویژه ای در رسیدن به اهداف این نظریه و مدل حکمرانی برخوردار است. اسلام بعنوان دینی که مدعی طرح همه جانبه مسائل لازم برای پیشرفت و سعادت بشر است، در حوزه حکمرانی نیز، مدعی مدل حکمرانی مطلوبی است که به طور قراردادی این حکمرانی مطلوب اسلامی را حکمرانی شایسته مینامیم. در سالهای اخیر، تلاش های زیادی برای احصاء شاخصه های نظام سیاسی مطلوب اسلامی، توسط پژوهشگران و متفکران مسلمان صورت گرفته است. برخی از این تلاشها معطوف به تطبیق و مابه ازایی از مفاهیم جدید غربی در باب شاخصه های نظام سیاسی مطلوب یا حکمرانی خوب است. از جمله مفاهیمی که مورد توجه برخی از پژوهشگران مسلمان، در تطبیق با اندیشه اسلامی قرار گرفته است، مسئله شفافیت است. نظر به اهمیت مقوله شفافیت، خصوصا در سالهای اخیر و با گسترش ابزارهای شفافیت ساز، بحث های زیادی نیز در ایران پیرامون مبنایی شفافیت در اندیشه اسلامی شکل گرفته است که تعیین کننده حدود و صغور بسط شفافیت در حکمرانی جمهوری اسلامی خواهد بود. این پژوهش بر مبنای همین دغدغه به دنبال واکاوی مسئله شفافیت در اندیشه اسلامی و سمبل حکمرانی اسلامی، یعنی حکمرانی علوی است. مسئله و سوال نوشتار پیش رو این است که با توجه به اینکه شفافیت بعنوان شاخصه ای که در در عصر حاضر، مورد توجه صاحب نظران علوم اقتصادی و سیاسی و مدیریت به ویژه در مبحث حکمرانی خوب قرار گرفته است، آیا در حکمرانی مطلوب اسلامی یا حکمرانی شایسته نیز مورد توجه قرار گرفته است و اساسا چه جایگاهی دارد. فرض پژوهش نیز تایید و پذیرش شفافیت در حکمرانی علوی است. علی رغم وجود منابع مختلف و متنوع از اندیشه و سیره حکومتی امیرالمومنین(ع)، در این پژوهش، برای فهم جایگاه شفافیت در اندیشه و حکمرانی علوی، کتاب نهج البلاغه بعنوان یکی از مستندترین منابع اختصاصی از خطبه ها، نامه ها و سفارشات حضرت امیرالمومنین(ع)، مبنا قرار گرفته است. برای این پژوهش از روش تحلیل مضمون بعنوان یکی از کاربردی ترین روش های تحلیل داده های متنی استفاده شده است و پس از

پیدا کردن نکات مرتبط با شفافیت، مضمون بندی اولیه شکل گرفته و پس از اتمام، به زنجیره همبسته ای از مضامین مشترک تقسیم و فصل بندی خواهد شد.

۱- ادبیات پژوهش

۱- ناظمی اردکانی (۱۳۸۸) در مقاله "حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی"، به بررسی چند شاخصه حکمرانی خوب از منظر بانک جهانی و همچنین شاخصه های حکمرانی خوب در قانون اساسی و رویکرد اسلامی می پردازد و شفافیت اطلاعات را در رویکرد اسلامی، طبق اصل نهم، دوازدهم، سیزدهم و چهاردهم، مترادف با حق تامین آزادیهای مشروع و عدالت در برابر آحاد جامعه تعریف کرده است.

۲- مبارک و آذریبوند (۱۳۸۸) در مقاله "نگاهی به شاخص های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تاثیر آن بر رشد اقتصادی"، به بررسی چند شاخصه از حکمرانی خوب از منظر اسلام می پردازد که شفافیت در میان آن ها قرار نداشت.

۳- سردارنیا و شاکری (۱۳۹۳) در مقاله "تبیین حکمرانی خوب در نهج البلاغه با رویکرد روشی زمینه گرا" با تبیین ده مولفه از مولفه های حکمرانی خوب در نهج البلاغه، در خصوص مولفه شفافیت در نهج البلاغه، یکی از وجوه و عناصر حکمرانی در نهج البلاغه را موضوع شفافیت و حق مداری می دانند و در یک پاراگراف به یکی از بیانات و سفارشات حضرت به کارگزاران مبنی بر آشکارا سخن گفتن و آشکار حاضر شدن در میان مردم اشاره می کند.

۴- شاه آبادی و جامه بزرگی (۱۳۹۲) در مقاله "نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه"، به بررسی ۶ شاخصه از شاخصه های حکمرانی خوب و تطبیق آن در دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه می پردازد که شفافیت جزو این شاخصه ها قرار نداشت.

۵- حبیب نژاد و عامری (۱۳۹۵) در مقاله "شاخص های شفافیت در حکومت اسلامی با تاکید بر حکومت علوی"، با بررسی ریشه های شفافیت در آموزه های علوی، شفافیت را در اندیشه علوی امری ضروری تلقی می کند و با تقسیم شاخصه های شفافیت در حکومت علوی به دو بخش شاخصه های ساختاری و شاخصه های رفتاری به بیان مواردی از بروز شفافیت در سیره حضرت می پردازد و مدعی است که امام علی (ع) با صداقت و صراحت تمام، دیدگاه حکومتی و شیوه عملی خویش را با مردم و مخاطبان در میان می گذاشت.

وجه تمایز تحقیق حاضر با پژوهش های گذشته، تمرکز در فهم مسئله شفافیت در اندیشه امیرالمومنین (ع) چه در بعد محتوای شفافیت در حکمرانی و چه در بعد ملزومات شفافیت را در حکمرانی است.

۲- چارچوب نظری

۱-۲ حکمرانی خوب

قدمت حکمرانی به تاریخ تمدن بشری بر می گردد. حکمرانی در لغت به معنای حکومت و فرمانروایی و نیز عمل و شغل حکمرانی آمده است. (مفتح و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۴). اداره گری یا حکمرانی، به معنی عمل یا شیوه حکومت کردن و اعمال کنترل یا اقتدار بر اقدامات اتباع از طریق منظومه‌ای از مقررات است. بنابراین گوهر اداره گری را می توان چگونگی حکومت بر مردم و چگونگی اداره و تنظیم اداره دولت دانست (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۴۴۵). بانک جهانی حکمرانی را به عنوان روشی که بر اساس آن قدرت بر مدیریت اقتصادی یک کشور و منابع اجتماعی آن برای رسیدن به توسعه اعمال می شود تعریف می کند. حکمرانی در لغت به معنی "اعمال قدرت، نظام حکومتی، روش تنظیم قوانین و مقررات و برقراری نظم در جامعه است و عموماً نظارت ترتیبات اداری لازم جهت ارتباط با شهروندان، بر فعالیت های آنان و چگونگی تنظیم امور اجتماع را شامل می شود. از این رو علاوه بر ساختارهای فیزیکی، چارچوب های نهادی ناظر بر عملکرد حکومت و شهروندان را نیز در بر می گیرد (دقیقی اصلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶)

در مورد حکمرانی خوب، تعاریف مختلفی ارائه شده است. با دقت می توان دریافت که روح کلی حاکم بر همه آنها چندان تفاوتی نمی کند، گر چه به هر حال این تعاریف کم و بیش با یکدیگر اختلافاتی دارند. اساس یک تعریف حکمرانی خوب عبارت است از نظامی از ارزش ها، سیاست ها و نهادها که جامعه به وسیله آن، اقتصاد، سیاست و مسائل اجتماعی خود را از طریق سه بخش دولت، خصوصی، و مدنی مدیریت می کند. (قلی پور، ۱۳۸۴: ۱۱۲) در تعریفی دیگر، حکمرانی خوب، اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری بر اساس قانون، پاسخ گویی و اثربخشی است. (میدری، ۱۳۸۳: ۹۳-۱۱۸) تعریفی دیگر نیز حکمرانی خوب را اینگونه معرفی می کند: راهکارها و فرآیندها و نهادهایی که به واسطه آنها شهروندان، گروه ها و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال، حقوق قانونی خود را استیفا، تعداتشان را برآورده و تفاوتشان را تعدیل می کنند. (شریف زاده، فتاح و قلی پور، ۱۳۸۴: ۹۳)

در متون مختلفی، شاخص های حکمرانی خوب، به صورت متفاوت ذکر شده اند. بانک جهانی شاخص های ذیل را برای سنجش حکمرانی خوب در دویست کشور استفاده کرده است: حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و فقدان آشوب، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون، کنترل فساد و پایداری (الوانی و علیزاده ثانی، ۱۳۸۶: ۵). یک مبنای اساسی برای ویژگی های حکمرانی خوب، شاخص های هشت گانه ای است که توسط برنامه توسعه سازمان ملل مطرح شده اند. این شاخص ها عبارت اند از: مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت پذیری، اجماع سازی، عدالت و انصاف، کارایی و اثربخشی، و در نهایت پاسخگویی (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۶: ۱۰۹). تعاریف مختلف دیگری نیز برای شاخصه های حکمرانی خوب، از سوی مراکز و شخصیت های مختلف مطرح شده است اما اتفاق نظر وجود دارد که عناصر کلیدی حکمرانی خوب شامل پنج مولفه پاسخگویی، شفافیت، مبارزه با فساد، حکومت مشارکتی و چارچوب قضایی حقوقی توانمندساز (یا همان حاکمیت قانون) است. (محمودی کیا، ۱۳۹۸: ۶۳)

۲-۲ حکمرانی شایسته

با تعاریفی که از مفاهیم پژوهش از جمله حکمرانی گذشت، حکمرانی شایسته به معنای شیوه اداره جامعه و حکومت کردن به نحو شایسته است. از آنجایی که گفته شد، حکمرانی شایسته، عبارت قراردادی ما برای حکمرانی مطلوب اسلامی است، بنابراین حکمرانی شایسته، به معنای شیوه اداره جامعه، چگونگی کاربرد قدرت و روش اعمال حاکمیت از منظر اسلام و تفکر اسلامی است. صرف نظر از اینکه، اندیشمندان مختلفی به بسط ویژگی های حکومت در اسلام و شیوه اعمال حکومت و حاکمیت در اندیشه اسلامی پرداخته اند، یکی دیگر از راههای بسط حکمرانی اسلامی، تطبیق مفاهیم و ترمینولوژی های نوپدید در اندیشه اسلامی و تأیید و یا عدم تأیید آن از سوی اسلام است.

۲-۳ شفافیت و جایگاه آن در حکمرانی شایسته

ریشه های حکمرانی مطلوب را اگر چند عنصر تعیین کننده بدانیم، بدون شک یکی از اساسی ترین آنها مقوله شفافیت خواهد بود؛ پدیده ای که در صورت تحقق آن، سلامت یک نظام سیاسی و ساختارهای آن تا حد زیادی تضمین شده و زمینه مبارزه با فساد و ریشه کنی آن در محیط جامعه را فراهم می آورد. شفافیت به نحوی حکمرانان را در اتاق شیشه ای قرار می دهد و مردم می توانند قضاوت درستی درباره عملکرد آنها داشته باشند و میزان کارآمدی آنها را مورد سنجش قرار دهند. (بهرامی، ۱۳۹۹: ۹۴-۹۵)

شفافیت، از جمله موضوعات اساسی در مباحث کلان حکومت های مردم سالار و اصلاح اداره عمومی است که در جهت تقویت رابطه حکومت با شهروندان، به مثابه یک حرکت اساسی در بهبود سیاستگذاری قلمداد می شود؛ چنان که امروزه به عنوان یکی از مولفه های اساسی حکمرانی خوب محسوب می گردد. مردم چنانچه در جریان تصمیم گیری ها قرار گیرند، متوجه درستی و نادرستی آنها خواهند شد و نتیجه این امر، امنیت خاطر است که ملت نسبت به حکومت پیدا می کنند و در جهت استمرار و تقویت آن گام خواهند داشت. (طاهری و ارسطا، ۱۳۹۵: ۴)

همانطور که در بیان مسئله ذکر گردید، این پژوهش به جایگاه شفافیت در حکمرانی شایسته در اندیشه و حکمرانی امام علی (ع) می پردازد و حکمرانی شایسته، همان حکمرانی مطلوب اسلامی در نظر گرفته شده است. با توجه به اینکه در ابتدا در خصوص انتخاب دوران حکمرانی امام علی (ع)، بعنوان دوره منتخب حکمرانی شایسته بعنوان یکی از الگوهای بی نظیر حکمرانی مطلوب اسلامی اشاره شد، جایگاه شفافیت در حکمرانی شایسته، به جایگاه شفافیت در اندیشه و حکمرانی علوی می پردازد. نظر به لزوم بیان روش و چگونگی احصاء شاخصه ها و جایگاه شفافیت در اندیشه و حکمرانی علوی، ابتدا به توضیح روش تحقیق خواهیم پرداخت و سپس به بررسی جایگاه شفافیت در اندیشه و حکمرانی امام علی (ع) می پردازیم.

۳- روش و مدل نظری پژوهش

روش تحقیق، به طور عمده به دو روش کیفی و کمی تقسیم می گردد. در روش کمی ما با آمار و ارقام و یا نظرسنجی مواجهیم، اما در روش کیفی با متن و اندیشه. انواع مختلفی از روش ها برای تحلیل کیفی وجود دارد. یکی از روش های کارآمد تحلیل کیفی، تحلیل مضمون^۱ است (براون^۲، ۲۰۰۶)؛ تحلیل مضمون به سه روش قالب مضامین، ماتریس مضامین و شبکه مضامین صورت می گیرد. در این تحقیق از روش شبکه مضامین استفاده می شود.

الگوریتم این پژوهش که به مقوله شفافیت در اندیشه علوی می پردازد بدین صورت در قالب روش شبکه مضامین ارائه می شود.

1. Theory Analysis

2. Braun

جدول شماره ۱. الگوریتم پژوهش در قالب روش شبکه مضامین مطابق با شکل مضمون آنراید و استیرلینگ (آترایدو استیرلینگ، ۲۰۰۱)

شفافیت در اندیشه علوی	اندیشه	
	مرحله	
استخراج مضامین پایه در نهج البلاغه	استخراج مضامین پایه	مرحله اول
دسته بندی و تخلیص مضامین پایه مستخرج از نهج البلاغه	دسته بندی و تخلیص مضامین پایه	مرحله دوم
کشف مضامین سازمان دهنده مضامین پایه مستخرج از نهج البلاغه	کشف مضامین سازمان دهنده	مرحله سوم
کشف مضامین فراگیر برای مضامین سازمان دهنده مستخرج از نهج البلاغه	کشف مضامین فراگیر	مرحله چهارم

در واقع، پس از دست یافتن به مضامین پایه ای، شناسایی مضامین سازمان دهنده و مضامین فراگیر با توجه به مضامین پایه ای انجام می شود؛ در این مرحله از تحلیل مضمون سعی می شود با سازمان دهی مجدد مضامین اولیه یا همان مضامین پایه ای انتزاعی تری دست یابیم که ما را به مضمون های اصلی تری رهنمون سازد. (خان احمدی، ۱۳۹۷: ۱۹۱)

بعبارت دیگر ابتدا نهج البلاغه بعنوان مبنای سند مطالعه ما برای حکمرانی امیرالمومنین(ع)، بعنوان نمونه عالی حکمرانی شایسته مورد مطالعه دقیق قرار می گیرد و متن های دارای ارتباط با شفافیت از آن استخراج می گردد. سپس برای متن ها عنوان بندی اولیه یا مضمون پایه در نظر گرفته می شود. پس از عنوان بندی متن ها، این مضامین به دسته بندی های هم خانواده و دارای ارتباط (سازمان دهنده مضامین پایه) ذیل مضامین فراگیر ما تقسیم می گردد. در نهایت نیز مضمون فراگیر مابن اساس این دسته بندی ها و مضامین مستخرج از متن سازمان دهی می شوند.

۴- شفافیت در حکمرانی علوی

شفافیت در منظومه فکری و عملی امیرالمومنین(ع) جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص داده است. به طوریکه در جای جای سیره عملی و رفتاری ایشان، روح شفافیت دمیده شده است. به طوری که ما میتوانیم در قالب محتوای شفافیت، برخی از این مسائل را عنوان بندی کنیم. همچنین برخی از مسائل که میتواند از ملزومات و زیرساخت های ایجاد شفافیت باشد را در کلام ایشان استخراج نمودیم و تحت عنوان ملزومات شفافیت بدان پرداخته ایم.

۴-۱ محتوای شفافیت

ما شفافیت را با توجه به اینکه مفهومی جدید در قرن معاصر در حکمرانی است، برای اینکه بتوانیم در سیره ائمه معصومین بسنجیم، ناگزیریم ارتباطاتی میان برخی اعمال با حداکثر شباهت به اعمال امروزی شفافیت در عصر حاضر برقرار کنیم. عناوینی چون آموزش بینش سیاسی، روشنگری و بصیرت افزایی، صراحت، ارتباط بدون واسطه با مردم، گزارش دهی به مردم و آزادی بیان دادن به مردم، عناوینی بودند که ما بتوانیم گوشه هایی از این شفافیت طلبی و عمل بر مبنای شفافیت را در سیره ایشان ببینیم.

۴-۱-۱ آموزش بینش سیاسی

یکی از مباحث مهم در شفافیت، آموزش است. آموزش زیربنای فهم شفافیت، خواست و مطالبه گری شفافیت و همچنین تاثیرگذاری و فایده بخشی شفافیت است. کار بزرگی که امیرالمومنین (ع) مستمرا انجام میداد، اهتمام به آموزش مردم تحت زعامت خود بود. کمتر حاکمی در تاریخ به تقویت مردم خود از منظر فهم حکومتی و علمی میپردازد چرا که حکومت کردن بر آن مردم سخت تر خواهد شد و جهل برگ برنده ای برای پادشاهان مستبد تاریخ بوده است. اما در سیره امیرالمومنین (ع)، آموزش مردم و افزایش فهم مردم یک اصل اساسی بود که ما در جای جای نهج البلاغه شاهد آن هستیم.

امیرالمومنین (ع) در جای جای نهج البلاغه برای افزایش بینش سیاسی مردم تلاش میکند. برای نمونه ایشان در خطبه ۶۱ خطاب به مردم فرمود:

"بعد از من با خوارج نبرد نکنید، زیرا کسی که در جستجوی حق بوده و خطا کرد، مانند کسی نیست که طالب باطل بوده و آن را یافته است. (سید رضی می گوید: منظور امام از گروه دوم معاویه و یاران او هستند.)"

در اینجا حضرت تفاوت خوارج و معاویه و یارانش را شرح میدهد و با بیان اینکه خوارج در پیدا کردن حق اشتباه کردند اما معاویه و یارانش اساسا به دنبال باطل بودند، جنگ با خوارج را بعد از خودشان جایز ندانستند.

۴-۱-۲ روشنگری و بصیرت افزایی

یکی از مسائل مهم شفافیت، افشای تصمیمات، اقدامات، رفتار و اعمال گذشته و یا حال یا آینده حکومت، افراد تاثیرگذار، مجموعه ها و حتی افرادی که در خارج از حکومت و یا پهنه سرزمینی

هستند اما اقدامات آنان برای مردم تاثیرگذار است. حضرت نسبت به آموزش و هشدار در این خصوص و افشای این مسائل هیچ ملاحظه و سستی به خرج نمیدادند و همه مردم را محرم می دانستند. حضرت در مواقع ضروری که خطراتی از جانب مخالفان خود برای مردم و جامعه احساس میکردند، نسبت به روشنگری در خصوص آنان اقدام میکردند. برای نمونه ایشان در خطبه ۱۶۹ در افشای توطئه ناکشین چنین فرمودند:

"همانا ناکشین عهد شکن به جهت نارضایتی از حکومت من به یکدیگر پیوستند، و من تا آنجا که برای وحدت اجتماعی شما احساس خطر نکنم صبر خواهم کرد، زیرا آنان اگر برای اجرای مقاصدشان فرصت پیدا کنند، نظام جامعه اسلامی متزلزل می شود. آنها از روی حسادت بر کسی که خداوند حکومت را به او بخشیده است به طلب دنیا برخاسته اند. می خواهند کار را به گذشته باز گردانند."

۳-۱-۴ صراحت

با بررسی سیره حضرت امیر(ع)، یکی از شاخصه های منحصر به فرد و بارز حضرت، صراحت بی نظیر و شجاعانه ایشان بود. ایشان در برابر هیچ فرد یا گروهی که صلاح را در صراحت با آنان میدید، ملاحظه نداشت. این صراحت هم در اعلام مواضع، هم در برابر اقبال مختلف مردم، کارگزاران و خواص، اقبال خاص مانند عالمان و قضات و همچنین دشمنان، در سیره حضرت وجود داشت. برای نمونه به صراحت ایشان نسبت به کارگزاران اشاره می گردد و بعنوان نمونه به یکی از فرازهای نامه حضرت به زیاد بن ابیه جانشین فرماندار بصره که در نامه ۲۰ نهج البلاغه آورده شده اشاره می گردد که ایشان چنین مرقوم فرمودند:

"همانا من، براستی به خدا سوگند می خورم، اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که کم بهره شده، و در هزینه عیال، درمانده و خوار و سرگردان شوی، با درود."

۴-۱-۴ ارتباط بدون واسطه با مردم

اساسا شفافیت حقی است که برای مردم میتواند وسیله ای برای نظارت و قضاوت بر حکومت و استفاده از اطلاعات را فراهم آورد. بنابراین مردم، مرکز و محور شفافیت است. اگر مردم از این مسیر حذف شوند، اساسا شفافیت خاصیت خود را از دست خواهد داد. حضرت امیر (ع)، بعنوان چهره ای بسیار مردمی، همیشه به این مسئله توجه می کرد که باید همه تلاش های حاکمیتی به رضایت و رشد مردم منجر شود. لذا مردم، مخاطب مستقیم او و کارگزاران او بودند و هیچ فاصله ای را در این میان نمیپذیرفت. در همین خصوص به نمونه ای از ارتباط بی واسطه ایشان با مردم و پاسخ به شبهات

و سوالات ایشان در خطبه ۱۲۵ در توضیح علت پذیرش حکمیت اشاره می‌گردد. حضرت در سخنانی برای مردم بیان می‌کنند:

"ما افراد را داور قرار ندادیم، تنها قرآن را به حکمیت «داوری» انتخاب کردیم (که آنها بر سر نیزه کرده و داوری آن را می‌خواستند) این قرآن، خطی است نوشته شده که میان دو جلد پنهان است، زبان ندارد تا سخن گوید، و نیازمند به کسی است که آن را ترجمه کند، و همانا انسانها می‌توانند از آن سخن گویند. و هنگامی که شامیان ما را دعوت کردند تا قرآن را میان خویش داور گردانیم، ما گروهی نبودیم که به کتاب خدای سبحان پشت کنیم، در حالی که خدای بزرگ فرمود: «اگر در چیزی خصومت کردید آن را به خدا و رسول باز گردانید». باز گرداندن آن به خدا این است که کتاب او را به داوری بپذیریم، و باز گرداندن به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این است که سنت او را انتخاب کنیم، پس اگر از روی راستی به کتاب خدا داوری شود، ما از دیگر مردمان به آن سزاوارتریم، و اگر در برابر سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تسلیم باشند ما بدان اولی و برتریم. اما سخن شما که چرا میان خود و آنان برای حکمیت (داوری) مدت تعیین کردی من این کار را کردم تا نادان خطای خود را بشناسد، و دانا بر عقیده خود استوار بماند، و اینکه شاید در این مدت آشتی و صلح، خدا کار امت را اصلاح کند و راه تحقیق و شناخت حق باز باشد، تا در جستجوی حق شتاب نورزند، و تسلیم اولین فکر گمراه کننده نگردند."

۴-۱-۵ گزارش دهی به مردم

از دیگر اقدامات ایجادکننده و توسعه دهنده ایشان درباره شفافیت، گزارش دهی مستمر ایشان به مردم بود. سنت حسنه ای که مستمر تداوم داشت. بعنوان مثال ایشان در خطبه ۶۸ در خصوص دلیل علاقه به انتصاب هشام بن عتبه به فرمانداری مصر چنین گزارش می‌دهند:

"می‌خواستیم هشام بن عتبه را فرماندار مصر کنیم، اگر او را انتخاب می‌کردم میدان را برای دشمنان خالی نمی‌گذارم، و به عمرو عاص و لشکریانش فرصت نمی‌داد، نه اینکه بخواهم محمد بن ابی بکر را نکوهش کنم، که او مورد علاقه و محبت من بوده و در دامنم پرورش یافته بود."

۴-۱-۶ آزادی بیان دادن به مردم

از دیگر اقدامات توسعه دهنده حضرت در راستای شفافیت، آزادی بیان دادن به مردم برای بیان انتقادات و انتظارات و سوالات بود. این نیز در سیره حضرت بسیار پررنگ است. برای نمونه در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر در خصوص توجه به مردم و مستضعفین جامعه، در ضرورت شنیدن سخنان

محرومان بدون اینکه اضطراب و ترسی بر آنان وارد شود و بدون ناراحتی و آزرده شدن به مالک توصیه می کنند.

"پس بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند، تا شخصا به امور آنان رسیدگی کنی، و در مجلس عمومی با آنان بنشین و در برابر خدایی که تو را آفریده فروتن باش، و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخنگوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن با تو گفتگو کند، من از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بارها شنیدم که می فرمود: «ملتتی که حق ناتوانان را از زورمندان، بی اضطراب و بهانه ای باز نستاند، رستگار نخواهد شد». پس درشتی و سخنان ناهموار آنان را بر خود هموار کن، و تنگ خویی و خود بزرگ بینی را از خود دور ساز تا خدا درهای رحمت خود را به روی تو بگشاید."

۴-۲ ملزومات شفافیت ز در حکمرانی علوی

در این بخش به ملزومات ایجاد شده و ساختارهایی که برای تحقق شفافیت توسط امیرالمومنین (ع) ایجاد شد، اشاره می کنیم و برآنیم تا تلاش های حضرت برای برقراری شفافیت را در حد بضاعت فهرست کنیم.

۴-۲-۱ پنهان گریزی

یکی از مواردی که حضرت به کارگزاران تاکید می کردند، پنهان گریزی و آماده بودن برای افشای عمل است. این ایجاد آمادگی برای افشای عمل از دو جهت مد نظر شفافیت است. اول اینکه خود اعلام آمادگی یعنی شفافیت اعمال شما نباید شما را متعجب کند و باید برای آن آماده باشید و این خود پذیرش شفافیت است. ثانيا در تنظیم رفتار کارگزاران است که بر مبنای شفافیت باید این اعمال تنظیم گردد. در نهج البلاغه در نامه ۶۹، ایشان خطاب به حارث همدانی، می فرمایند:

"از کاری که تو را خشنود، و عموم مسلمانان را ناخوشایند است بپرهیز، از هر کار پنهانی که در آشکار شدنش شرم داری بپرهیز کن، از هر کاری که از کننده آن پرسش کنند، نپذیرد یا عذر خواهی کند، دوری کن."

۴-۲-۲ راست گزینی

یکی دیگر از موارد مورد تاکید حضرت امیر(ع)، تاکید بر راست گزینی و پرهیز از دروغ است. رابطه صداقت و شفافیت بر کسی پوشیده نیست. وقتی گفته میشود که شفافیت ایجاد شود، یعنی حکومت باید با مردم صداقت داشته باشد. یکی از زیربناهای اصلی شفافیت صداقت است. بدون صداقت

شفافیت مورد اعتنا و اعتماد نخواهد بود. در خطبه ۱۰۸ حضرت در خصوص لزوم صداقت با مردم و پرهیز از دروغ به مردم می فرمایند:

"رهبر جامعه باید با مردم به راستی سخن گوید و پراکندگی مردم را به وحدت تبدیل، و اندیشه خود را برای پذیرفتن حق آماده گرداند. پیشوای شما چنان واقعیت ها را برای شما شکافت چونان شکافتن مهره های ظریف، و حقیقت را از باطل چون شیر درختی که از بدنه آن خارج شود، بیرون کشید."

۴-۲-۳ تبیین گری

از جمله مولفه های شفافیت زا در سیره حضرت، تبیین گری و توضیح تصمیمات خود برای مردم بود. ایشان این سنت را بنا نهادند که با مردم باید حرف بزنند و برایشان از تصمیمات خود توضیح دهند. مثلاً ایشان در خطبه ۳ در شرایط پذیرش حکومت در روز بیعت عمومی مردم با ایشان چنین می گویند:

"روز بیعت، فراوانی مردم چون یال های پر پشت گفتار بود، از هر طرف مرا احاطه کردند، تا آن که نزدیک بود حسن و حسین علیه السلام لگد مال گردند، و ردای من از دو طرف پاره شد. مردم چون گله های انبوه گوسفند مرا در میان گرفتند. اما آنگاه که به پاخاستم و حکومت را به دست گرفتم، جمعی پیمان شکستند و گروهی از اطاعت من سرباز زده و از دین خارج شدند، و برخی از اطاعات حق سر بر تافتند، گویا نشنیده بودند سخن خدای سبحان را که می فرماید: «سرای آخرت را برای کسانی برگزیدیم که خواهان سرکشی و فساد در زمین نباشند و آینده از آن پرهیزکاران است». آری به خدا آن را خوب شنیده و حفظ کرده بودند، اما دنیا در دیده آنها زیبا نمود، و زیور آن چشم هایشان را خیره کرد."

۴-۲-۴ بیان عذر تقصیر

ایشان در جایی دیگر تاکید می کنند که در برابر مردم یا خلق خداوند باید عذر داشت و یا توجیه داشت. یعنی باز هم بگونه ای باید عمل شود که بتوان پاسخگوی مردم بود. رابطه میان پاسخگویی و شفافیت بر کسی پوشیده نیست. اساساً شفافیت برای پاسخگو کردن حکومت در برابر اقدامات خود تدارک دیده شده است. بنابراین ایشان پاسخگو بودن را یک اصل برای کارگزاران حکومتی می داند و حق مطالبه از مردم و وظیفه پاسخگویی مسئولین به مردم را ترویج می کند و این خود از اقدامات حضرت در نهادینه کردن و پذیرش شفافیت است. در نامه ۵۳ نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر، در این خصوص می فرمایند:

"و هر گاه رعیت بر تو بد گمان گردد، عذر خویش را آشکارا با آنان در میان بگذار، و با این کار از بدگمانی نجاتشان ده، که این کار ریاضتی برای خود سازی تو، و مهربانی کردن نسبت به رعیت است، و این پوزش خواهی تو آنان را به حق وامی دارد."

۴-۲-۵ حضور در میدان

یکی دیگر از زیرساخت هایی که حضرت برای ایجاد فرهنگ شفافیت به کار می بردند، کسب اطلاعات حضوری و بی واسطه از مردم و حضور در میدان بود. ایشان هم خود به این کار اقدام می کردند و هم مسئولین حکومتی را به این کار وادار و توصیه می کردند. خب این ارتباط دائمی و بی واسطه از اساسی ترین اقدامات برای شفافیت مسئولین و اقدامات ایشان است. برای نمونه در نامه ۵۳ خطاب به مالک، حضرت در این خصوص میفرماید:

"هیچ گاه خود را فراوان از مردم پنهان مدار، که پنهان بودن رهبران، نمونه ای از تنگ خویی و کم اطلاعی در امور جامعه می باشد. نهان شدن از رعیت، زمامداران را از دانستن آنچه بر آنان پوشیده است باز می دارد، پس کار بزرگ، اندک، و کار اندک بزرگ جلوه می کند، زیبا زشت، و زشت زیبا می نماید، و باطل به لباس حق در آید."

۴-۲-۶ شفافیت اطلاعات

حضرت در جایی دیگر بر این نکته تاکید می کنند که حق شما مردم است که من چیزی از شما پنهان ندارم جز اسرار جنگ. این خود سبب نهادینه کردن فرهنگ شفافیت در حکومت است. در نامه ۵۰ نهج البلاغه، حضرت خطاب به لشکریان خود چنین فرمودند:

"آگاه باشید حق شما بر من آن است که جز اسرار جنگی هیچ رازی را از شما پنهان ندارم."

۴-۲-۷ حاکمیت قانون

یکی از ملزومات دیگر شفافیت، حاکمیت قانون است. وقتی قانون حاکم نبود و محترم نبود و معیار نبود، شفافیت به چه معنا میتواند باشد. از مهم ترین مسائل شفافیت شفافیت قوانین است. خب وقتی قانون معیار و فصل الخطاب نبود، شفافیت قوانین به چه کاری می آید؟ از اقدامات بزرگ حضرت، معیار قرار دادن قانون و حاکمیت قانون در جامعه اسلامی بود. در این میان نه خواص استثنا بودند و نه رابطه شخصی و فامیلی با شخص حاکم و نه حتی خود حاکم. برای همه با معیار قانون عمل میشد. برای نمونه در همان نامه ۵۰، حضرت در جایی تاکید می کنند که وظیفه من است بر اساس حکم

شرع و یا قانون عمل کنم و در غیر اینصورت با شما مشورت کنم و این را از مسئولیت های خود بر می شمرد. در این رابطه در این نامه چنین آمده است:

"آگاه باشید حق شما بر من آن است که) و کاری را جز حکم شرع، بدون مشورت با شما انجام ندهم، و در پرداخت حق شما کوتاهی نکرده و در وقت تعیین شده آن بپردازم، و با همه شما به گونه ای مساوی رفتار کنم. پس وقتی من مسئولیت های یاد شده را انجام دهم، بر خداست که نعمت های خود را بر شما ارزانی دارد."

۴-۲-۸ نظارت جدی

یکی دیگر از اقدامات حضرت در نهادینه کردن شفافیت، نظارت جدی از جمله بصورت گزارش گیری مخفی از کارگزاران بود. این گزارش گیری مخفی حتی به اطلاع کارگزاران نیز می رسید لذا کارگزاران را نسبت به اعمال و رفتار خود دارای مراقبت بیشتری می کرد. در نامه ۴۳ خطاب به فرماندار فیروزآباد می فرمایند:

"گزارشی از تو به من دادند که اگر چنان کرده باشی، خدای خود را به خشم آورده ای، و امام خویش را نا فرمانی کرده ای. خبر رسید که تو غنیمت مسلمانان را که نیزه ها و اسب هایشان گرد آورده و با ریخته شدن خون هایشان به دست آمده، به اعرابی که خویشاوندان تواند، و تو را برگزیدند، می بخشی."

یکی دیگر از اقدامات مستمر حضرت، درخواست حساب اموال از کارگزاران بود. این چارچوب عملی و رفتاری کارگزاران، زمینه ساز رفتار شفاف ایشان در مصرف اموال بود. در خصوص این مسئله در نامه ۴۰ چنین آمده است:

"به من خبر رسیده که کشت زمینها را برداشته، و آنچه را که می توانستی گرفته، و آنچه در اختیار داشتی به خیانت خورده ای. پس هر چه زودتر حساب اموال را برای من بفرست و بدان که حسابرسی خداوند از حسابرسی مردم سخت تر است. با درود."

۴-۲-۹ پرهیز از نفاق

حضرت بر پرهیز از دورویی و نفاق تاکید ویژه داشتند. این امر تاثیر مستقیم بر روند ایجاد شفافیت دارد. وقتی دورویی نباشد، هر آنچه مطرح میشود از روی صدق و راستی است و مردم میتوانند به بیانات مسئولین اعتماد کنند. وقتی دورویی حادث شد، اعتماد مردم از دست میرود. شفافیت آمده که اعتماد را برگرداند و ریشه کنی دورویی از حکومت، هم در راستای ایجاد شفافیت است و هم در

راستای برآوردن اهداف شفافیت. در نهج البلاغه در نامه ۲۶ حضرت به ماموران مالیاتی توصیه می فرمایند:

"و سفارش می کنم که مبدا در ظاهر خدا را اطاعت، و در خلوت نافرمانی کند، و اینکه آشکار و پنهانش، و گفتار و کردارش در تضاد نباشد، امانت الهی را پرداخته، و عبادت را خالصانه انجام دهد."

۴-۲-۱۰ پاسخگویی

حضرت امیر(ع)، تاکید ویژه بر پاسخگو بودن مسئولین تحت امر خود در برابر مردم دارند. در جای جای سفارش ایشان، روحیه پاسخگویی تبلور دارد. مثلا در نامه ۵۳ حضرت به زیبایی در این خصوص به مالک اشتر می فرمایند:

"همانا تو از آنان برتر، و امام تو از تو برتر، و خدا بر آن کس که تو را فرمانداری مصر داد والاتر است، که انجام امور مردم مصر را به تو واگذارده، و آنان را وسیله آزمودن تو قرار داده است." همانگونه که مشاهده می گردد، در اینجا حضرت سلسله پاسخگویی کارگزاران در برابر حاکم و بالاتر از حاکم، پاسخگویی در برابر خداوند را متذکر می شوند.

در جای دیگری از همین نامه ۵۳، در ضرورت بیان عذر و پوزش خواهی در برابر بدگمانی رعیت و توضیح به آنان در مواردی که گمان بدی به حاکم دارند، خطاب به مالک اشتر می فرمایند:

"و هر گاه رعیت بر تو بد گمان گردد، عذر خویش را آشکارا با آنان در میان بگذار، و با این کار از بدگمانی نجاتشان ده، که این کار ریاضتی برای خود سازی تو، و مهربانی کردن نسبت به رعیت است، و این پوزش خواهی تو آنان را به حق وامی دارد."

فرهنگ پاسخگویی به شبهات، سوالات و گمان های مردم و فرهنگ مطرح کردن عذر تقصیرها از جانب حاکم به مردم، جزئی از فرهنگ پاسخگویی است و همانطور که در متن مذکور مشهود است، حضرت به ترویج این کار توصیه می کنند.

۴-۲-۱۱ امانت داری

یکی دیگر از این سفارش ها، سفارش به امانت داری بود که از مهم ترین آفات عدم شفافیت، خیانت در امانت است. حضرت امیر نیز به مسئله امانت داری مسئولین تاکید ویژه دارند و بعنوان نمونه در نامه ۵ خطاب به اشعث بن قیس، فرماندار آذربایجان می فرمایند:

"همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن تو است، باید از فرمانده و امام خود اطاعت کنی. تو حق نداری نسبت به رعیت استبدادی ورزی، و بدون دستور به کار مهمی

اقدام نمایی. در دست تو اموالی از ثروتهای خدای بزرگ و عزیز است، و تو خزانه دار آنی تا به من بسپاری، امیدوارم برای تو بدترین زمامدار نباشم، با درود."

۴-۲-۱۲ مشاورت و مشارکت

از دیگر اقدامات شفافیت زا، نظارت و مشورت نخبگانی است که حضرت تاکید ویژه ای بر مشورت خواهی به کارگزاران داشته اند. بعنوان نمونه در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر در ضرورت مشورت با نخبگان می فرمایند:

"با دانشمندان، فراوان گفتگو کن، و با حکیمان فراوان بحث کن، که مایه آبادانی و اصلاح شهرها، و برقراری نظم و قانونی است که در گذشته نیز وجود داشت."

همچنین حضرت در نامه ۵۳، در ضرورت مشارکت همه اقشار جامعه برای رسیدن به موفقیت، به قشرهای مختلفی مانند سپاهیان، نویسندگان عمومی و خصوصی، قضات دادگستر، کارگزاران عدل و نظم اجتماعی، جزیه دهندگان، پرداخت کنندگان مالیات، تجار و بازرگانان، صاحبان صنعت و پیشه وران و مستمندان اشاره می کنند و به مالک اشتر می فرمایند:

"ای مالک بدان مردم از گروه های گوناگونی می باشند که اصلاح هر یک جز با دیگری امکان ندارد، و هیچ یک از گروه ها از گروه دیگر بی نیاز نیست. از آن قشرها، لشکریان خدا، و نویسندگان عمومی و خصوصی، قضات دادگستر، کارگزاران عدل و نظم اجتماعی، جزیه دهندگان، پرداخت کنندگان مالیات، تجار و بازرگانان، صاحبان صنعت و پیشه وران، و نیز طبقه پایین جامعه، یعنی نیازمندان و مستمندان می باشند، که برای هر یک خداوند سهمی مقرر داشته، و مقدار واجب آن را در قرآن یا سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تعیین کرده که پیمانی از طرف خداست و نگهداری آن بر ما لازم است.

پس سپاهیان به فرمان خدا، پناهگاه استوار رعیت، و زینت و وقار زمامداران، شکوه دین، و راههای تحقق امنیت کشورند. امور مردم جز با سپاهیان استوار نگردد، و پایداری سپاهیان جز به خراج و مالیات رعیت انجام نمی شود که با آن برای جهاد با دشمن تقویت گردند، و برای اصلاح امور خویش به آن تکیه کنند، و نیازمندی های خود را برطرف سازند. سپس سپاهیان و مردم، جز با گروه سوم نمی توانند پایدار باشند، و آن قضات، و کارگزاران دولت، و نویسندگان حکومتند، که قراردادهای معاملات را استوار می کنند، و آنچه به سود مسلمانان است فراهم می آورند، و در کارهای عمومی و خصوصی مورد اعتمادند. و گروه های یاد شده بدون بازرگانان، و صاحبان صنایع نمی توانند دوام بیاورند، زیرا آنان وسائل زندگی را فراهم می آورند، و در بازارها عرضه می کنند، و بسیاری از وسایل زندگی را با

دست می سازند که از توان دیگران خارج است. قشر دیگر، طبقه پایین از نیازمندان و مستمنداند که باید به آنها بخشش و یاری کرد."

نتیجه گیری

همانطور که ملاحظه گردید، شفافیت در اندیشه و حکمرانی امیرالمومنین(ع)، مبحث مهمی از مسائل را به خود اختصاص می دهد و سیره زندگی و حکمرانی امیرالمومنین(ع)، ظرفیت های مهمی برای استخراج محتوا و ملزومات شفافیت در حکمرانی شایسته را در خود جای داده است. توجه حضرت به شاخصه های مترقی حکمرانی که برخی از آن ها در قرن ها و یا سالهای اخیر، در سطوح جهانی مطرح شده اند، نشان از حکمرانی مترقی حضرت در زمانه خود دارد. این حکمرانی، هم موجب تعالی و پیشرفت امورات دولتی و حکومتی خواهد شد و هم موجبات رشد و تعالی جامعه و آحاد امت اسلامی را فراهم می سازد.

آنچه از نتایج بررسی محتوا و ملزومات شفافیت زا در سیره حضرت امیر(ع) در نهج البلاغه بدست آمد نشانگر ظرفیت عظیم متون دینی اعم از قرآن و روایات و سیره ائمه معصومین(ع) از جمله حضرت امیرالمومنین(ع)، در استخراج مبانی و شاخصه های حکمرانی مطلوب و بکارگیری آن در ظرف نظام و حکومت اسلامی است. نظر به اینکه شفافیت، مفهومی جدید در حکمرانی محسوب می گردد که در دهه های اخیر، در سطح جهان مطرح گردیده و در این مقاله تنها بخشی از ظرفیت نهج البلاغه بعنوان یکی از متون منسوب به اندیشه ها و سیره حکومتی امیرالمومنین(ع) در خصوص شفافیت هویدا شده است، این پیام را برای ما خواهد داشت که متون دینی ما بسیار پیشروتر و مترقی تر از نظریات غربی در حوزه مفاهیمی چون حکمرانی مطلوب و به طور کلی حوزه قواعد اجتماعی است که این مهم تنها با اندیشه ورزی محققان و اندیشمندان مسلمان در این متون و غور در مابۀ ازایابی مفاهیم جدید غربی در قواعد اجتماعی در این منابع و حتی خلق شاخصه ها، مفاهیم و گزاره های جدید و مترقی از ظرفیت آیات، روایات و سیره معصومین(ع) دینی است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

امام علی (ع)، نهج البلاغه

ابطحی، سید مصطفی؛ آرایش، حسن و سالاری سردری، فرضعلی (۱۳۹۷). «بررسی و تبیین حکمرانی شایسته در رویکرد حکمرانی نظام جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه راهبرد سیاسی**، سال دوم، شماره ۵.

آل کجیاف، حسین و فرج دنیوی، حسن (۱۳۹۷). «حکمرانی مطلوب از منظر قرآن و نهج البلاغه با تاکید بر پاسخگویی»، **فصلنامه مطالعات قرآنی**، شماره ۱۰.

الوانی، سیدمهدی و علی زاده ثانی، محسن (۱۳۸۶). «تحلیلی بر کیفیت حکمرانی خوب در ایران»، **فصلنامه مطالعات مدیریت**، شماره ۵۸.

بهرامی، محمدباقر؛ اکبرزاده، فریدون؛ شهایی، روح الله و جلالپور، شیوا (۱۳۹۹). «نقش راهبردی شفافیت آرای نمایندگان در کارآمدی مجلس شورای اسلامی از نگاه حکمرانی مطلوب»، **نشریه راهبرد**، شماره ۹۵.

بیگی نیا، عبدالرضا؛ صفری، سعید؛ مرشدی‌زاد، علی و پولادگر، عبدالحمید (۱۳۹۱). «شناسایی و اولویت بندی شاخص های حکمرانی خوب»، **چشم انداز مدیریت دولتی**، شماره ۱۲.

پولادگر، عبدالحمید (۱۳۸۸). **شناسایی اولویت بندی شاخص های حکمرانی خوب با استفاده از تکنیک تحلیلی سلسله مراتبی (AHP)**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد.

حبیب نژاد، سید احمد و عامری، زهرا (۱۳۹۵). «شاخص های شفافیت در حکومت اسلامی (با تاکید بر حکومت علوی)»، **فصلنامه حقوق اسلامی**، شماره ۴۹.

خان احمدی، اسماعیل (۱۳۹۷). «تحلیل مضمون چشم انداز انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)»، **مجله سیاست دفاعی**، شماره ۱۰۵.

خسروی، جواد (۱۳۹۶). **بینش و نگرش مطلوب در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای**، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

درخشه، جلال و موسوی نیا، سیدمهدی (۱۳۹۷). «مؤلفه های حکمرانی شایسته در سیره حکومتی پیامبر اسلام (ص)»، **فصلنامه پژوهش های علم و دین**، شماره ۱۷.

دقیقی اصلی، علیرضا؛ گرابی نژاد، غلامرضا و آقابگلین، سلین (۱۳۹۲). «اثر حکمرانی خوب بر سطح فساد اقتصادی در کشورهای با سطح توسعه یافتگی متوسط»، **مجله فرآیند مدیریت توسعه**، دوره ۲۶، شماره ۴ (پیاپی ۸۶).

رحیم پور ازغدی، حسن (۱۳۸۵). «منشور حکومت دینی در نهج البلاغه»، **فصلنامه اندیشه**، شماره ۵ و ۶.

- سردارنیا، خلیل اله و شاکری، حمید (۱۳۹۳). «تبیین حکمرانی خوب در نهج البلاغه با رویکرد روشی زمینه گرا»، **فصلنامه مطالعات حقوقی**، دوره ششم، شماره ۴.
- شاه آبادی، ابوالفضل و جامه بزرگی، آمنه (۱۳۹۲). «نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه»، **فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه**، شماره ۲.
- صحرایی، علیرضا و محمودی نیا، امین (۱۳۹۷). «الگوی حکمرانی خوب؛ چارچوبی برای تحلیل اقتصاد سیاسی دولت هاشمی رفسنجانی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی**، شماره ۲۸.
- طاهری، محسن و ارسطو، محمدجواد (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی مبانی اصل شفافیت از دیدگاه اسلام و نظریه حکمرانی خوب»، **نشریه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب**، شماره ۹.
- عجمی، علی (۱۳۹۰). **بررسی اثر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی (مطالعه بین کشوری)**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده اقتصاد، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- علیزاده ثانی، محسن و الوانی، سیدمهدی (۱۳۸۶). «تحلیلی بر کیفیت حکمرانی خوب در ایران»، **فصلنامه مطالعات مدیریت، بهبود و تحول**، شماره ۵۳.
- عیوضی، محمدرحیم و مرزبان، نازنین (۱۳۹۵). «بررسی مولفه‌های حکمرانی خوب از منظر امام خمینی (ره)»، **فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام**، شماره ۱۹.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، (۱۳۶۸).
- گریفتیس، مارتین (۱۳۸۸). «حسن اداره گری» در: مارتین گریفتیس، **دانشنامه روابط بین الملل و سیاست جهان**، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- مبارک، اصغر و آذر پیوند، زیبا (۱۳۸۸). «نگاهی به شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تاثیر آن بر رشد اقتصادی»، **فصلنامه اقتصاد اسلامی**، شماره ۳۶.
- محمودی کیا، محمد (۱۳۹۸). «حکمرانی شایسته در اندیشه و عمل سیاسی امام خمینی»، **فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام**، شماره ۱۹.
- مرشدزاده، علی (۱۳۹۶). «حکمرانی خوب و حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی»، **فصلنامه آینده پژوهی ایران**، شماره ۳.
- مستقیمی، مهدیه سادات (۱۳۹۵). «تحلیل معنای حکمرانی شایسته با تاکید بر آموزه‌های قرآنی»، **فصلنامه فقه حکومتی**، شماره ۱.
- مفتح، محمدهادی؛ قاسمی، غلامعلی و کردنژاد، نسرین (۱۳۹۴). «امکان سنجی اجرای نظریه حکمرانی خوب در جوامع اسلامی با تاکید بر جمهوری اسلامی»، **فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب**، شماره ۴.

نادری، محمدمهدی (۱۳۹۰). «حکمرانی خوب، معرفی و نقد اجمالی»، فصلنامه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، شماره ۱.

ناظمی اردکانی، محمد (۱۳۸۸). «حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی»، مجله علوم انسانی، شماره ۷۶.

هداوند، مهدی (۱۳۸۴). «حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر»، فصلنامه حقوق اساسی، شماره ۴.

ب) منابع انگلیسی

Mobius, M, (2001), “good governance is a global challenge”, corporate board, Vol.22, No.131.

UNDP, (1997) Governance for Sustainable Human Development, at.publications/governance/goodgov.pdf

UNDP, (1997), Governance & Sustainable Development, New York: retrieved from.

Weiss, T.G, (2000), “Gavernance, Good Governance and Global Governance”, Conceptnal And Actual challenges, Third World Quarterly, Vol.21, Issue. 5.